

دیدن امر نامرئی در نظریه کاندینسکی

نویسنده

میشل آنری

مترجم

فاطمه بنویدی

www.ketab.ir



سرشناسه	: هانری، میشل، ۱۹۲۲-۲۰۰۲م.
عنوان و نام پدیدآور	Henry, Michel, 1922-2002 دیدن امر نامرئی در نظریه کاندینسکی / نویسنده میشل آنری ؛ مترجم فاطمه بنویدی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۵ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۶-۳۱۴-۴
فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: seeing the invisible on kandinsky, C2009.
موضوع	: کاندینسکی، واسیلی، ۱۸۶۶ - ۱۹۴۴م -- روانشناسی
موضوع	: Wassily -- PsychologyKandinsky ,
موضوع	: نقاشی انتزاعی Painting, Abstract
شناسه افزوده	: بنویدی، فاطمه، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ND۶۹۹
رده‌بندی دیویی	: ۷۵۹/۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۷۰۴۴۲

میشل آنری
دیدن امر نامرئی در نظریه کاندینسکی

فاطمه بنویدی

ویراستار: اعظم فتحی هل آباد
صفحه آرا: محمد علی پور

چاپ اول: ۱۴۰۱
شمارگان: ۴۴۰ نسخه
تیرگرافی: چاپ مهارت نو
چاپ: ترنج رایانه
قطع: رقعی

شابک: ۴ - ۳۱۴ - ۲۴۶ - ۹۷۸ - ۶۱۲



حق چاپ محفوظ است.

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین
خیابان شهدای ژاندارمری، بن بست گرانفر، پلاک ۴
تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۱۲۳۵۸



Www.elmpub.com



info@elmpub.com



nashreelm

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم انگلیسی
۱۷	مقدمه
۲۳	فصل اول: درونی، بیرونی، امر نامرئی و امر مرئی
۳۵	فصل دوم: معنای «انتزاعی» دو عبارت «نقاشی انتزاعی»
۵۳	فصل سوم: فرم
۶۱	فصل چهارم: فرم تصویری محض
۷۱	فصل پنجم: فرم انتزاعی: نظریه عناصر
۷۹	فصل ششم: آشکارسازی وجوه تصویری
۹۱	فصل هفتم: نقطه
۹۹	فصل هشتم: خط
۱۱۱	فصل نهم: سطح تصویر
۱۲۷	فصل دهم: وحدت عناصر
۱۳۵	فصل یازدهم: رنگ‌های نامرئی
۱۵۱	فصل دوازدهم: فرم‌ها و رنگ‌ها
۱۵۹	فصل سیزدهم: مشکلات مربوط به وحدت بین رنگ‌ها و فرم‌ها
۱۶۹	فصل چهاردهم: ترکیب‌بندی

مقدمه مترجم انگلیسی

میشل آنری (۱۹۹۲-۲۰۰۲) فیلسوف برجسته فرانسوی در نیمه دوم قرن بیستم بود که به مسائلی مربوط به متافیزیک، الهیات، نظریه سیاسی، اقتصاد، روان‌کاوی و زیبایی‌شناسی [۱] می‌پرداخت. آنری با نگاه به قرنی که درگیر مصیبت جنگ، نسل‌کشی و ظلم بود، از تحولات بی‌شمار سیاسی و اجتماعی قرن بیستم انتقاد می‌کرد و عمیقاً نگران پیامدهای آن در قرن بیست‌ویکم بود. در نظر او، علت اساسی این تحولات کاهش گسترده ارزش زندگی است و ریشه‌های آن ممکن است ناشی از ظهور جهان‌بینی مدرن باشد که برای اولین بار، گاليله آن را بیان کرد و سپس از نظر فلسفی، دکارت توسعه‌اش داد. [۲] یکی از ویژگی‌های مهم جهان‌بینی مدرن، حذف جنبه‌های محسوس از جهان بیرونی و متعاقب آن، تقلیل واقعیات قابل ارزیابی و اندازه‌گیری است. جهان‌بینی مدرن با تقلیل بیشتر واقعیات از جهان بیرون، حقیقت و ارزش واقعی زندگی را به فراموشی می‌کشاند؛ زیرا به عقیده آنری، زندگی در معنای حقیقی‌اش هیچ ربطی به جهان بیرونی یا فرم‌های مطالعه‌شده از زندگی در زیست‌شناسی ندارد؛ بلکه مفهوم حقیقی زندگی در تجربه ذهنی فرد به شکل پاتوس^۱ و آگاهی او از زندگی شخصی

خود واقع شده است. نظریه آنری با احیای مفهوم واقعی زندگی و ارزش آن، فراخوانی برای بررسی مجدد انتقادی و بسط مفاهیم عمیق زندگی در همه حوزه‌های تحقیق است.

میشل آنری در سال ۱۹۲۲ در هایفونگ (ویتنام) متولد شد. پدرش افسر نظامی بود و هنگامی که آنری فقط هفده‌روزه بود، در تصادف اتومبیل کشته شد. [۳] مادرش که تعلیم دیده بود تا پیانیست کنسرت شود، در مدت کوتاهی پس از آن، مجبور شد به فرانسه برگردد و سرانجام در پاریس مستقر شد. مطالعات فلسفی آنری در دوران هنری چهارم در پاریس آغاز شد و سپس به مطالعه فلسفه در دانشگاه سوربن مشغول گردید. پایان‌نامه کارشناسی ارشدش (شادی/اسپینوزا)^۱ در زمستان سال ۱۹۴۳ به راهنمایی ژان گرنیه^۲ تکمیل شد. [۴] اگرچه آنری از تأملات متافیزیکی اسپینوزا فاصله می‌گرفت، تأثیر اسپینوزا در پیشرفت‌های فلسفی بعدی آنری مشهود است؛ مثلاً تعهد مشترکشان به یک فلسفه درون‌بودی^۳. تعهد آنری به فلسفه درون‌بودی در این دیدگاهش که بیان می‌کند همه پدیده‌ها متجلی یک منبع واحد، یعنی همان زندگی هستند، آشکار است.

در طول تابستان سال ۱۹۴۳، آنری به پیروی از برادر بزرگ‌ترش که عضو گروه مقاومت «فرانسوی آزاد» واقع در انگلستان بود، به یک گروه مقاومت واقع در اوت ژورا^۴ پیوست و در لیون^۵ به عنوان مأمور مخفی فعالیت کرد. اسم مستعارش در گروه کانت بود. این اسم برازنده‌اش بود؛ زیرا هنگامی که به گروه ملحق شد، *تهدد عقل محض* کانت تنها چیزی بود که در کوله‌پشتی‌اش داشت. تجربه زمان جنگش تأثیری عمیق بر فلسفه‌اش گذاشت. آنری شناخت

1. *The Happiness of Spinoza*

2. Jean Grenier

3. immanence

4. Haut Jura

5. Lyon

خود از ابعاد پنهان زندگی را مدیون مشارکش در گروه مقاومت بود. نمی‌توان گفت که او واقعاً به چه می‌اندیشید و یا چه کسی بود؛ اما در گروه مقاومت بود که آنری فهمید زندگی حقیقی نامرئی است. مفهوم مخفی زندگی، به‌عنوان پاتوسی که فقط در درون خود می‌توان تجربه کرد، در تمام نوشته‌های آنری به‌مثابه یک دغدغه فکری باقی مانده است. [۵]

آنری پس از دفاع از رساله‌اش در مقابل کمیته ارزیابی برجسته، متشکل از ژان هیپولیت، ژان وال، پل ریکور، فردینان آلکویسه^۱ و هنری گویه^۲، پیشنهادهای مکرر آموزش در دانشگاه سوربون پاریس را رد کرد. در عوض او تصمیم گرفت زندگی آرام‌تر و محلی را شروع کند؛ زندگی‌ای که در آن بدون مزاحمت‌های زندگی روشن‌فکرانه پاریسی و مسئولیت‌های سنگین آموزشی دانشگاه سوربون، بر کلامش تمرکز کند. در سال ۱۹۶۰، منصبی را در دانشگاه مونپلیه، واقع در جنوب فرانسه در ساحل دریای مدیترانه، پذیرفت و در آنجا با شریک زندگی‌اش، آن^۳ که پژوهشگر برجسته پروست بود، سکنی گزید و بعداً در سال ۱۹۵۸ با وی ازدواج کرد و در آنجا قادر بود که بین مسئولیت‌های سبک‌تر تدریس با برنامه‌های بلندپروازانه نوشتنش تعادل برقرار کند. آنری تا زمان بازنشستگی‌اش در سال ۱۹۸۲، در مونپلیه ماند؛ اما بازنشستگی فعالیت او را کم نکرد. کاملاً برعکس، دهه پس از بازنشستگی دوره پرکاری برای آنری بود؛ از جمله انتشار *سجده‌نامه روانکاوی*^۴ (۱۹۸۵)، *بربریت*^۵ (۱۹۸۷)، *دیدن امر نامرئی*^۶ (۱۹۸۸) و *پدیدارشناسی مادی*^۷ (۱۹۹۰). [۶] درحالی که پدیدارشناسی مادی اساس

1. Ferdinand Alquie

2. Henri Gouhier

3. Anne

4. *Genealogy of Psychoanalysis*

5. *Barbarism*

6. *Seeing the Invisible*

7. *Material Phenomenology*

پدیدارشناسی برپایه درک او از زندگی را به عنوان یک قدرت بنیادی بیان می کند، آثار دیگر او در این دوره به مفاهیمی در حوزه روان کاوی، نظریه سیاسی و زیبایی شناسی می پردازند.

آنری در اوقات فراغت، از علاقه مندان فعال به هنر و مجموعه داری بود. او دل بستگی خاصی به هنر قبل از قرن هجدهم و همچنین هنر انتزاعی قرن بیستم داشت و آن را به مثابه تجدید رسالت معنوی هنر از زمان های گذشته می دانست. کتاب حاضر، دیدن امر نامرئی، از شور و علاقه آنری به اثر واسیلی کاندینسکی الهام گرفته است. [۷] کاندینسکی در میان نقاشان، نادر است؛ زیرا علاوه بر هنر آفرینی، نظریه زیبایی شناسی ژرفی را در مجموعه ای از نوشته های نظری، از جمله معنویت در هنر (۱۹۱۱) و از نقطه، خط، سطح (۱۹۲۶)، توسعه داد. این نوشته ها که برای هنر انتزاعی کاندینسکی به مانند یک سنگ روزگار بود، بلافاصله بعد از نمایشگاه بزرگ آثار کاندینسکی در نیویورک (پاریس) در سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۵ توسط آنری بازبینی شد. نمایشگاه پاریس نقاشی هایی از دوره های مختلف زندگی هنرمند را گرد هم آورد. گفته می شود که آنری بیش از دوازده بار از نمایشگاه پاریس بازدید کرد و بعداً به شهر نیویورک رفت تا مجموعه کاندینسکی در گوگنهایم را مطالعه کند. [۸] هدف مشخص آنری، با الهام از مطالعه نقاشی ها و نوشته های نظری کاندینسکی، در نوشتن دیدن امر نامرئی (۱۹۸۸) این بود که اهمیت کشف نقاشی انتزاعی کاندینسکی را روشن کند.

شیفتگی آنری به این استاد انتزاع را می توان از طریق ارتباط عمیق جاه طلبی های بین دو متفکر توضیح داد. کاندینسکی، بسیار شبیه به خود

۱. Rosetta stone: سنگی که متن یونانی و مصری باستان روی آن حک شده بود و کلید دستیابی به خط و زبان مصر باستان شد. — م.

آنری، اعتقاد داشت عصر مدرن در وضعیت بحران قرار دارد و به دنبال تجدید حیات بشر از طریق توسعه هنر انتزاعی بود. فاصله‌گیری کاندینسکی از هنر فیگوراتیو، شبیه انتقاد آنری از جهان‌بینی مدرن، با تأکید بر دنیای بیرونی و عینیت است. مأموریت معنوی هنر انتزاعی کاندینسکی با رد کردن دغدغه جهان بیرون در هنر قرن هجدهم و نوزدهم، بازگرداندن ارزش درونی زندگی است. عقیده اصلی آنری در دیدن *امر نامرئی* این است که انتزاع کاندینسکی چیزی فراتر از یک حرکت خاص در نقاشی است و روشنگر حقیقت عمیق همه انواع هنر است. تمام هنرها واقعاً «انتزاعی» هستند؛ به عبارت دیگر، از هرگونه پابندی به جهان بیرونی و مرئی رها هستند. به منظور بسط اهمیت این عقیده، اکنون به اختصار توضیحات فلسفی آنری از انقلاب کاندینسکی در نقاشی را بیان می‌کنم.

با درک نقاشی براساس ارتباط ظاهراً قابل مشاهده بین بینایی و جهان مرئی، نظریه زیبایی‌شناسی از منشأ یونانی‌اش پیروی کرده و وظیفه نقاشی را به مصور کردن جهان مرئی تقلیل داده است. به طور سنتی، نقاشی به‌ویژه با فعالیت تقلید از واقعیت همراه بوده است که بر تقلید یا کپی از اشیای جهان بیرون دلالت دارد. دشواری آن تنها بازنمایی جهان مرئی، مانند تصویر نور یا چشم‌انداز، است. آنچه در انتزاع کاندینسکی تحول محسوب می‌شود، این است که ارتباط ظاهری بین نقاشی، چشم و امر مرئی لغو می‌شود.

در آثار نظری کاندینسکی، نقاشی از طریق یک اصل اساسی درباره ماهیت همه پدیده‌ها از جهان مرئی رها می‌شود:

هر پدیده می‌تواند به دو روش تجربه شود. این دو روش تصادفی نیستند، بلکه بسته به پدیده هستند. آن‌ها از ماهیت پدیده، از دو ویژگی یکسان بیرونی^۱ و درونی^۲ نشئت می‌گیرند. [۹]